

دنبال روزنامه‌نگاری اقتصادی مسؤولانه می‌گردند.

در چنین شرایط دشوار اقتصادی، هوشیاری روزنامه‌نگاران نقش کلیدی دارد. در این وضعیت شکننده و بی‌ثبات، اظهارنظر روزنامه‌ای که نزد مردم اعتباری یافته است، بر زندگی و رفاه خواننده و خانواده او تأثیر می‌گذارد. در این شرایط، گزارش هر تحول یا رویداد اقتصادی تعداد زیادی خواننده می‌یابد، مطلب به اشتراک گذاشته می‌شود، نقل‌قول می‌شود و به‌عنوان منبع مورد استفاده وسیع قرار می‌گیرد. روزنامه‌نگاری مسؤولانه در این شرایط ایجاب می‌کند که شایعه‌ها گزارش نشود؛ حدس‌وگمان‌ها به عنوان منبع اطلاعاتی موثق معرفی نشوند؛ با تعقیب مستمر رویه‌های کنترل داده‌ها و حقیقت‌یابی، دروغ‌ها آشکار شوند و با مراجعه به صاحب‌نظران، اظهارات رسمی و غیررسمی شایع، راستی‌آزمایی شوند. روشن است که بیان دروغ مدت زمان طولانی نمی‌پاید و حقیقت نهایتاً چهره می‌نماید. اما در این فاصله زمانی، زندگی اقتصادی بسیاری از مردم ممکن است آسیب جدی ببیند و از این رو روزنامه‌نگاری اقتصادی مسؤولانه نباید چنین فرصت‌هایی در اختیار سفته‌بازان، احتکارگران و رانت‌جویان قرار دهد. هرچند که روزنامه‌نگاری غیرمسؤولانه که بر شایعه و حدس و گمان متکی است، معمولاً آثار کم‌رنگی بر جامعه دارد، اما در لحظه‌هایی از تاریخ کشورها که نااطمینانی عمیق است، به‌ویژه در حوزه اقتصاد، آثار می‌تواند فاجعه‌بار باشد.

به‌دلیل ماهیت فعالیت اقتصادی و مالی، برداشت عمومی آن است که در زمان و مکانی که کنترل‌های شدید رسانه‌ای اعمال می‌شود، مطبوعات اقتصادی آزادی عمل ویژه‌ای دارند. تصور آن است که محتوای این روزنامه‌ها که عمدتاً اطلاعات فنی از

## نقش روزنامه‌نگاری اقتصادی در تحولات

### سیاسی-اجتماعی

#### حسین عبده‌تبریزی

روزنامه‌نگاری رویدادهایی را توضیح می‌دهد که بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند. تفاوت روزنامه‌نگاری اقتصادی با سایر اشکال روزنامه‌نگاری در آن است که بر امور اقتصادی و توسعه تأکید می‌کند؛ شغلی پرتحرک و هیجان‌آور که دانش، مهارت، توان تحقیقی و پیش‌بینی آینده اقتصاد، برآورد روندهای فعالیت اقتصادی، شناخت امکانات و ظرفیت‌های تولید، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، درک ریسک ماجراجویی‌های اقتصادی و اطلاعات می‌طلبد.

روزنامه‌نگاری مسؤولانه خطاها را برجسته می‌کند، اصول اخلاقی را پیشنهاد می‌دهد یا از رویه‌های اخلاقی موجود در زندگی اقتصادی مردم حمایت می‌کند. در مقابل، روزنامه‌نگاری غیرمسؤولانه به این یا آن شکل به زندگی مردم آسیب می‌رساند.

جای انکار نیست که ایران اوضاع ناخوشایند و دشواری را پشت‌سر می‌گذارد. تورم، جهش‌های قیمت ارز، وضعیت بانک‌ها و بازار سرمایه، نرخ رشد منفی تولید ملی، بیکاری و... بیانگر بحران اقتصادی کشور است. تنش‌های حاد سیاسی بین ایران و ایالات‌متحد نیز بر وخامت اوضاع افزوده است.

در هنگامه چنین دورانی از عدم‌اطمینان‌ها در اقتصاد، مردم برای دریافت اخبار و تحلیل بیش از گذشته به رسانه‌ها متکی می‌شوند و می‌خواهند در مورد جمع‌بندی‌های خود اطمینان حاصل کنند یا از ریسک‌های پیش‌رو مطلع شوند. آنان به جای شایعات و اظهارنظرهای مبتنی بر حدس‌وگمان که از برخی شبکه‌های اجتماعی و محافل عمومی می‌شنوند، به

تلاش هیأت تحریریه و مدیریت این نشریه برای روزآمدی در شیوه‌های انتقال تحلیل‌ها و خبرها؛ استفاده از رسانه‌های متعدد نوشتاری، صوتی و تصویری در گروه رسانه-ای *دنیای اقتصاد*؛ سرمایه‌گذاری قابل‌ملاحظه‌ای برای برخورداری از فناوری رسانه‌ای و حفظ ساختار مالکیت خصوصی به *دنیای اقتصاد* اجازه داده که محوریت و اهمیت خود را در میان مطبوعات اقتصادی و عمومی ایران حفظ و فاصله خود را با دیگر نشریات ایرانی رقیب بیشتر کند. با این همه، با توجه به روندهای عمومی مطبوعات در جهان و مشکلات مالی تقریباً تمامی مطبوعات در ایران، باید آرزو کنیم که *دنیای اقتصاد* بتواند در این شرایط دشوار اقتصادی، استقلال مالی خود را حفظ کند و در کنار ادامه فعالیت خود به مثابه نهاد روزنامه‌نگاری مسؤول، بنگاه اقتصادی موفق‌تری هم باشد.

قبیل اطلاعات در مورد بازارها و کسب‌وکارها منتشر می‌کنند، هرچند به چشم عامه مردم نمی‌آید، اما مخاطبان محدود و با نفوذی دارند که از طریق آنان تاثیرگذاری بر افکار عمومی، به‌ویژه در شرایط سیاسی و اقتصادی پرتلاطم، ممکن می‌شود. حتی این امکان رسانه‌های اقتصادی و مالی را در رژیم‌های سیاسی بسته در قرن بیستم به تفصیل مورد بحث قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها نتیجه گرفته‌اند که نشریات اقتصادی نقش مهمی در تغییر طرز فکر طبقات حاکم در کشورهای مختلف، قبل و بعد از تغییرات سیاسی و در زمانی که آزادی مطبوعات برای سایر رسانه‌ها محدود شده بود، داشته‌اند.

شرایط امروز اقتصادی و اجتماعی ایران حاکی از چنین وضعیتی نیست؛ این جمع‌بندی قابل‌تعمیم به روزنامه «*دنیای اقتصاد*» نیست. بازبودن دست روزنامه اقتصادی، در شرایطی شبیه به امروز ایران ممکن نیست. به دلایلی که خارج از حوصله این مقاله است، اولاً *دنیای اقتصاد* میان عامه مردم نیز خوانندگان گسترده‌ای یافته و ثانیاً شرایط جاری حساس اقتصاد و بازارهای پول و سرمایه به این رسانه اجازه نمی‌دهد (حتی به فرض نبود محدودیت‌های رسانه‌ای عمومی) که بی‌دغدغه و نگرانی، جمع‌بندی‌های کارشناسان خود را با عامه مردم به اشتراک گذارد یا بتواند در شرایط سیاسی‌شده بحث‌های اقتصادی، تأثیر قابل‌ملاحظه لازم را بر طرح درست و دقیق مسائل بر محافل رسمی کشور بگذارد، و در طرز فکر سیاست‌گذاران حاکم تغییری اساسی ایجاد کند.

به‌رغم نکته بالا، هیچ‌کس نمی‌تواند آثار گسترده انتشار ۵۰۰۰ شماره *دنیای اقتصاد* در طول سال‌های طولانی را بر محیط اقتصادی و اجتماعی ایران نادیده بگیرد.